

# روزنامه همدلی

<b>روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</b> <p><b>شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۰</b> <b>۹ ربيع الاول ۱۴۴۳_ ۱۶ اکتبر ۲۰۲۱- شماره ۱۷۹۴ - سال ششم</b> <b>۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضربیب کیفی ۶۷۴</b> <p><b>hamdelidaily.ir</b> <b>newsaper.hamdeli@gmail.com</b> <b>t.me/HamdeliNews</b></p> </p>	
<b>صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان</b> <p><b>چاپ: ۴۴۵۳۳۳۷۷۵-۰۲۱</b> <p><b>نشانی: تهران- زرتشت غربی - نرسیده به بیمارستان مهر - پلاک ۵۶ - واحد ۲</b> <p><b>تلفکس: ۰۲۱۸۸۹۶۴۵۳-۰۲۱۸۸۹۶۴۰۸</b></p></p></p>	<b>سردبیر: فضل‌الله یاری</b> <p><b>توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۹۱۹۳۳۰۰۰</b></p>

## یادداشت‌ها

## ضرورت اکران گنجینه فیلم‌خانه ملی



ساقی سلیمانی

منتقد و پژوهشگر

در سال‌های اخیر به همت فیلمخانه ملی بخش قابل توجهی از تاریخ مصور سینمای ایران احیا شده و در فرصت‌های کوتاه و مهمی همچون جشنواره جهانی فجر اکران شده‌اند.

در روزهای اخیر از شانزدهم مهرماه فیلمخانه ملی با همت و همکاری با موزه سینمای ایران هر شب در حال اکران یکی از این فیلم‌هاست که ضرورت اکران مجدد دارند.

یک نمونه موفق این اکران، «عروس آتش» است، فیلمی از استاد خسرو سینایی فقید که پس از ترمیم با آن‌چه مخاطب مواجه می‌شود، استانداردهای بالای بازیگری و تکنیک است. از نظر فیلمبرداری، متن، بازی و پیکیج کارگردانی می‌توان این فیلم را برای حتی اکران عمومی آماده و ارائه کرد.

چرا این ضرورت وجود دارد هم امری واضح است؛ از نظر تکنیکی و بازی یک کلاس درس برای سینماگران و علاقه‌مندان سینما، از نظر مرور تاریخ سینما یک فرصت از یک شناخت‌نامه برای کسانی که این روزها سینمای جهان را بیش از گنجینه‌های سینمای ایران می‌شناسند و از نظر محتوای متنی یک ضرورت انکارناپذیر برای سال‌های اخیر که خشونت‌های ناموسی در حال اوج‌گرفتن است و هیچ‌کس توان انکار این حجم از اخبار قتل‌های ناموسی را ندارد.

منتها این محتوا چرا بر فیلم‌هایی با درونمایه مشابه ارجحیت دارد؟ به این دلیل که از یک‌سو و با نگاه فمینیستی به ماجرا نپرداخته و دو سوی یک (فرهنگ غیرتی) به قول استاد بیضایی را بررسی و تحلیل کرده و برایش داستانی به غایت جذاب نوشته است.

این فیلم و حالا نسخه ترمیم شده‌اش هم در اکران عمومی و هم در گروه هنر و تجربه اکرانی موفق خواهد داشت و بر حسب تجربه این را تضمین می‌کنم.

نمونه دیگر از این فیلم‌ها که می‌تواند اکران محدود را پوشش بدهد«گل‌های داوودی» رسول صدرعاملی بود که طی این چند روز نمایش

## طاقچه تاریخ

## روزی که ماری آنتوانت، ملکه فرانسه اعدام انقلابی شد



ماری آنتوانت در سال ۱۷۵۵ در شهر وین اتریش متولد شد. او دختر فرانتس یکم امپراتور امپراتوری مقدس روم و ماریا ترزا فرمانروای اتریش بود. ماری آنتوانت پانزدهمین و آخرین فرزند ماریا ترز و همسرش؛ فرانسیس اول امپراتور اتریش بود. او کودکی نسبتاً بی‌دغدغهای را از سر گذراند. تحصیلات او در حد معمول یک دختر اشراف‌زاده قرن هجدهمی بود و بیشتر روی مذهب و اصول اخلاقی تمرکز داشت. حفظ صلح شکننده‌ای که بعد از جنگ هفت ساله در ۱۷۶۳ بین اتریش و فرانسه به وجود آمده بود، به اولویت اول ملکه ماریا ترز تبدیل شده بود. او به همین منظور تصمیم گرفت که با ایجاد یک پیوند زناشویی بین اتحاد را تحکیم کند. این رسم در آن زمان از خانواده‌های سلطنتی اروپا کاملاً رایج بود. در سال ۱۷۶۷، لویی دوفن فرانسه، درگذشت. بعد از مرگ او تنها وارثش نوه یازده ساله‌ای به نام لویی اگوست بود. در طی چند ماه ماری آنتوانت و لویی اگوست که بعداً همان لویی شانزدهم شد، با یکدیگر ازدواج کردند. در می سال ۱۷۷۰ او به فرانسه عزیمت کرد تا به همسرش بپیوندد. در این سفر او با ۵۷ کالسکه، ۱۷ مرد پیاده و ۳۷۶ اسب همراهی می‌شد. ماری آنتوانت و لویی اگوست در ۱۶ می سال ۱۷۷۰ ازدواج کردند. این زن جوان به شکل واضحی آماده ازدواج نبود و نتوانست به‌راحتی خود را با زندگی متاهلی وفق دهد. نامه‌های متعدد و منظم او حکایت از دل‌تنگی شدیدش برای خانواده داشت. ماری آنتوانت آخرین ملکه کشور فرانسه بود و نقش چشمگیری در دامن‌زدن به آشوب‌های دوران انقلاب فرانسه داشت. آنتوانت یک بانوی اشراف‌زاده، ولخرج و خوشگذران بود که از روند جامعه آگاهی چندانی نداشت. گفته شده که زمانی که صدای انقلاب فرانسه بلند شده بود وی از کسی پرسید: که مردم چه می‌خواهند؟ آن شخص پاسخ داد: گرسنه‌اند و نان می‌خواهند و ملکه گفته بود: اکنون که نان ندارند چرا شیرینی نمی‌خورند! اما هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ماری آنتوانت این

## یادداشت‌ها محمدعلی

## نگاهی به شعر «از رهگذر» فیض شریفی



اله‌پراسب زنگنه

منتقد ادبی

«شعر، لعاب و نام نمی‌خواهد!شعر، آفتاب، باران /شعر، نگاه، ماهفرا نمی‌خواهد!شعر بند و بساط نمی‌خواهد» (فیض شریفی)
چه زیبا، و چه تصادفی، در ادبیات قدمایی فارسی، در نقد و توصیف شعر، هم از بیان و زبانی شاعرانه سود می‌جستند و نقد ادبی را که متنی مستدل و استقهلمی است، به زبان شعر می‌نوشتند؛ هم از این‌رو نقد ما در آن روزگار شکل مدون و نظریه به خود نگرفت.

فردوسی در نقد شعر حماسی اسدی توسی نوشت: «نگه کردم آن نامه سست /آمد/بسی بیت ناتندرست /آمدم» حکیم خواسته کاستی‌های بلاغی و دستوری شعر را نقد کند! شاعر معاصر رودکی به همین شیوه به نقد غزل رودکی پرداخته:

## داستان‌ها

## کجا می‌توانم پیدایت کنم؟

با من هم با غیظ و خشم و حالتی رسمی حرف می‌زد. می‌شود زن آدم هم با مردش این جور حرف بزند؟ من که

او را وقف بیمارستان کرده بودم. آخر من هم نیاز به یک همدم دارم. درست است که به او گفته بودم برود به این خلق‌نگون‌بخست کمک کند، درست است به او گفته بودم اشکال ندارد مسئول بخش کرونای بیمارستان بشود و درست است که گفته بودم به فکر من نباش ولی آیا درست است که این جوری جوش بیاورد:«ببخشاید که نتوانستم به محبت‌های شما! به موقع پاسخ می‌دهم. می‌دارم. استادم دو دز کرونا هنای زده ولی...» بغض گلویش را گرفته بود.

سعی می‌کرد با دست، آن را بیرون

بیاورد. عصبانی شدم و خداحافظی کردم. عکسی خندان گذاشته بود، از استادش، دکتر فرج، جراح قلب کودکان، توی استوری‌اش بود. یک شعر را هم از خودش در کنار عکس با مهارت گنجانده بود. برایش پیامی فرستادم و تسلیتی و عزت زیادا جواب داد.

انگار اینها برای او فرح نمی‌شد. خون بالا آورده بود و تمام جگرش له شده بود. هیچ وقت او را چنین ندیده بودم. نوشته بود: «هر کسی برای خودخواهی‌ها و رف عده‌هایش مرا می‌خواهد. من دیگر از

سایه خودم هم می‌ترسم...» از مردها بدش آمده بود. از بیمارستان، از آدم‌هایی که با لیخند از کنار او می‌گذرند متغیر شده بود. توی صدایش بوی بهبود نبود، بوی شوق نبود؛ در طنین صدایش رنگ مهر نبود.

## فصل زمان

## شاهکاری به نام ساختمان راه‌آهن سراسری ایران



تهران قیم به روایت. تصویر

سراسری در تهران محل فعلی ایستگاه تهران برزمین زده شد و از همان زمان رسماً ساختمان راه‌آهن از سه نقطه جنوب و مرکز و شمال توسط کشور آلمان آغاز شد؛ که بعدها در زمان جنگ جهانی دوم توسط متفقین، سلاح برای روسیه ارسال می‌کرد.



Arif Sutristanto-Indonesia

شریفی در این سروده موزج دو هدف دارد: اول شعرش را بسراید، دوم این‌که از شعر به طور کلی تعریفی متفاوت ارائه دهد. «شعر لعاب و نام نمی‌خواهد» در همین سطر آغازین محتمل است کسانی که به بدعت‌گذاری و فرمال کار و سویه‌ها و آرایه‌های شعری پای‌بندی دارند، با این شگرد مخالفت کنند و عنوان شعر و سبک و نام آن را مقدم بر آن شاعرانه و شعریت آن ندانند. در این حالت الهام شعری و کشف و شهود به کنار می‌رود و تولید به تقریب باید برجای آفرینش بنشیند. من قانع شده‌ام که در سطر سوم این سروده که شریفی از واژه «نگاه» سود جسته، امری را به ما گوشزد می‌کند. نگاه، حالت و وصفی انسانی است و اینجا شاعر، حتی از ضرورت فقدان نگاه در شعر صحبت کرده و گفته که شعر، نگاه نمی‌خواهد. گونه‌ای شگرد در هایکوسرایی که شعر تصویری است محض، در غیاب انسان و نگاه و اراده انسانی.

## زنگنه و سبک

توانگرزاده‌ای را دیدم بر سر گور پدر نشسته و با درویش بیهای مناظره در پیوسته‌که: صندوق تربت ما سنگین است و کتابه رنگین و فرش رخام انداخته و خستت پیروزه در او به کار برده. به گور پدرت چه ماند خشتی دو فراهم آورده و منشی دو خاک بر آن پاشیده؟! درویش پسر این بشنید و گفت: تا پدرت زیر آن سنگهای گران بر خود بجنبنیده باشد، پدر من به بهشت رسیده بود.

خر که کمتر پهنند بر وی بار بی شک آسوده‌تر کند رفتار مرد درویش که بار ستم فافه کشید به در مرگ همانا که سبکبار آید و آن که در نعمت و آسایش و آسانی زیست مردنش زین همه شک نیست که دشخوار آید به همه حال اسیری که ز بندی برهد بهتر از حال امیری که گرفتار آید

## مشق تکلم

### اوراق قرضه با درآمد ثابت:

همانند وام‌هایی است که از سسوی مردم برای پیش بردن امور دولتی یا از سسوی دولتی به دولتی دیگر داده می‌شود. البته این اوراق را نوعی سرمایه‌گذاری نیز در نظر می‌گیرند، طبق موارد درج شده در اوراق این وجه یا اعتباری که به نهاد یا سازمانی داده می‌شود باید تا پایان بازه زمانی مشخصی پس داده شود که معمولاً با سود همراه است. افراد دارای اوراق با درآمد ثابت بر خلاف سهام‌داران صاحبان شرکت‌ها محسوب نمی‌شوند و هیچ حتی برای دخل و تصرف در امور شرکت ندارند. اوراق قرضه معمولاً توسط شرکتی که به آن مبالغ نیاز دارد منتشر نمی‌شود، بلکه این کار توسط سازمان یا شرکتی دیگر انجام می‌پذیرد. اوراق قرضه با درآمد ثابت به سه دسته تقسیم می‌شود:

- اوراق قرضه دولتی
- اوراق قرضه شهرداری
- اوراق قرضه شرکتی

## درست نویسیم

### سرمایه‌گذاری:

به عمل کسی گفته می‌شود که مبلغی را به عنوان سهم مشارکت خود در شرکتی می‌گذارد و بنابراین املاى صحیح آن با حرف «ذ» است ونه با حرف «ز» و به صورت «سرمایه‌گذاری». ترکیب اخیر بی‌معنی است، زیرا «گذاردن» به معنای «به جا آوردن یا انجام دادن» است و سرمایه را نمی‌توان به‌جا آورد یا انجام داد. همچنین سرمایه‌گذار نیز با حرف «ذ» نوشته می‌شود نه با حرف «ز».

**منبع: کتاب غلط نویسیم ابوالحسن نجفی**

## مجازستان

چند سال پیش به گوشی نوکیا داشتم، شب مشغول چت بودم دستم زیر پتو بود فقط صورت مشخص بود، مامانم! اومد ببینسه خوابم یا نه، یه مکث کرد رفت، صبح که بیدار شدم مامانم با گریه بغلم کرد، بابام با بغض نگام می‌کرد، متعجب گفتم چه خبره؟ مامانم گفت: دخترتم تو خیلی پاکى. دیشب اومدم تو اتاقت صورت‌ت نورانی شده بود.

میگن ارزش واقعی یارانه در مقابل تورم فقط ۱۷۰۰ تومنمه، هم یارانه میدن هم چیزی نمیشه باش خریدم، مثل این که به مُرده همراه آمپول تقویتی بزنی، + ۱۷۰۰ تومنم خوبه، بازم خدوشاکر بدهکار نشدیم به دولت! **(مجرداد کریم زاده)**

- اگر می‌خواهی کسی را فقط یک روز سییر کنی، به او ماهی بده، و اگر قزاره یک عمر او را سییر کنی بهش اختلاس کردن یاد بده، اینجا ایران‌ها، سوتیس که نیست بهش ماهی‌گیری یاد بدم.

فکرش رو بکن، با ۸ نفر می‌رفتم بولینگ، یامون رو می‌کردیم تو کفشی که صدفر قیلش پوشیده‌بودن، بعد دستمون رو می‌کردیم تو سوراخهای تویی که قبل از ما صد نفر دیگه دست دماغی و کثیفشون رو کرده بودن توش، بعد توپ رو که میزدیم برمی‌کشتمیم و هر ۸ نفر از به ظرف سبب زمینی سرخ کرده می‌خوردیم و نمی‌مردیم. **(دیکتاتور حانیه)**

## فناوری

**آماده شدن برای شش ماه اقامت در فضا**
ایستگاه فضایی بین‌المللی اخیراً تصایری از فضاپوردان ماموریت کرو-۳ اسپیس ایکس منتشر کرد است که طی آن فضاپوردان در کیسول کرو دراگون نشسته و در حال گذراندن فرایند آموزش و آماده شدن برای ماموریت جدید خود هستند. فرمانده «راجا چاری» و خلبان «توماس مارشسبورن» به همراه متخصصان ماموریت «کاپلا بارون» و «ماتیاس مورر» در این ماموریت حضور خواهند داشت و طی آن به مدت شش ماه در ایستگاه فضایی زندگی و کار خواهند کرد. زمان پرتاب ماموریت کرو-۳ اسپیس ایکس، ۳۰ اکتبر ساعت ۲:۴۳ بامداد به وقت منطقه زمانی شرقی (۱۰:۱۳ به وقت تهران) خواهد بود. این اولین پرواز فضایی بارون، چاری و ماورر و سومین پرواز مارشسبورن خواهد بود.مارشسبورن قبلاً به عنوان عضوی از ماموریت شاتل فضایی STS-۱۲۷ در سال ۲۰۰۹ و اکسپدیشن ۳۵/۳۴ در داخل ایستگاه فضایی فعالیت داشت که این ماموریت در سال ۲۰۱۳ به پایان رسید. چاری، فرمانده این ماموریت در میلوکوئی متولد شد اما سدار فالز، آیووا را زادگاه خود می‌داند.چاری قبل از فضاپورد شدن به عنوان سرهنگ نیروی هوایی آمریکا خدمت می‌کرد و بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ ساعت کار با هواگرد سبک را در کارنامه کاری خود ثبت کرده است. چاری همچنین برای عضویت در تیم آرتemis انتخاب شده بود و می‌توانست در سال ۲۰۲۴ به ماه برود.